



۱۰

کتابفروشی‌های مترو به مکانی برای عرضه کتاب‌های

بی‌کیفیت، بی‌ارزش و قاچاق بدل شده‌اند

کتاب‌های خارج از ریل

حضور مهناز افشار در شبکه متعلق به سعودی‌ها

بازتاب وسیعی در شبکه‌های اجتماعی داشت

بازی در زمین سعودی‌ها



۱۲

گیشه در آمپاس

فیلم‌های سینمایی این نوبت اکران

به دلیل ناآرامی‌های اخیر و قطعی اینترنت با افت فروش مواجه شدند

فرهنگ

شنبه ۲ آذر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۳۱



۱۱

۹

پشت صحنه

غیرقابل پیش‌بینی

روزنامه‌نگاری یعنی زندگی در فِردا. باور بفرمایید ما امروز در فِردا زندگی می‌کنیم؛ همین ستون وقتی نوشته می‌شد دیروز بود و حالا یعنی فردای دیروز شما که دارید آن را می‌خوانید. باشد... قبول که کمی پیچیده شد اما قرار نیست حرف فلسفی بزنیم؛ ماجرا فقط این است بآن‌که ما هر روز برای فردا برنامه‌ریزی می‌کنیم اما هیچ چیز در یک روزنامه پویا قابل پیش‌بینی نیست.

اگر يك روز جمعه، در يك پاییز، سرد و ملال‌انگیز و پرنخوت وارد تحریریه روزنامه بشوی در حالی که همه مطالبیت را از قبل آماده کرده‌ای، باز هم ممکن است همه برنامه‌هایت به شکل هیجان‌انگیزی به هم بریزد.

و جمعه ما در صفحات فرهنگی روزنامه جام‌جم با شگفتانته ویژه‌ای همراه بود؛ ویدئویی که از پشت صحنه يك برنامه استعدادیابی در شبکه ام‌بی‌سی پرشیا دست به دست می‌شد و یکی از بازیگران ایرانی را در کنار خواننده‌های آن سوی آبی نشان می‌داد. چنین شد که دبیر صفحات فرهنگی هرچه را برای این چهار صفحه رشته‌بند، پنبه‌کِرِد و طرحی نو در انداخت که شد این:

جزئیات اتفاقات دیروز و ویدئوی منتشرشده در کانال‌های خبری مبنی بر

حضور مهناز افشار در برنامه استعدادیابی ام‌بی‌سی پرشیا، ایده و دستمایه‌ای شد برای محمدصادق علیزاده که سراغ رسانه‌های سعودی برود و درباره فعالیت این رسانه در حوزه فرهنگ و هنر و سرگرمی بنویسد. ارتباط رسانه‌های سعودی با سرگرمی و ویدئوی مهناز افشار و مابقی ماجرا را از زاویه نگاه علیزاده در صفحه ۱۲ بخوانید.

اگر همین طور از صفحه به اول بپاییم، نوبت صفحه ۱۱ می‌رسد که درباره اوضاع

گیشه است در روزهای سرد و کرخت پاییزی که هیچ سالی رونقی نداشته و امسال بدتر از سال‌های دیگر، علی رستگار که احوالات خودش دست‌کمی از اوضاع سینمای این روزهای ما ندارد، نگاهی کرده به وضعیت گیشه که در لبشروی این روزهای سرد به پت پت افتاده.

صفحه ۱۰ را بار دیگر به کتاب اختصاص داده‌ایم؛ اگر ساکن تهران یا

شهرهای بزرگ باشید حتما کتابفروشی‌های مترو را دیده‌اید. این کتابفروشی‌ها زمانی برای حمایت از ناشران و ترویج کتابخوانی راه‌اندازی شده بودند اما حالا به جایی برای عرضه کتاب‌های بی‌کیفیت و حتی قاچاق بدل شده‌اند. آذر مهاجر اهمیت ساماندهی به این کتابفروشی‌ها را در گزارشش مدنظر قرار داده است.

و در آخر ببینید و بخوانید که صابرخان محمدی چه کرده برای درویش‌خان که

از نامدارترین موسیقیدان‌های ایران است؛ کسی که از همکاری او و ملک‌الشعراى بهار به عنوان آهنگساز و شاعر، دو تصنیف ماندگار «بهار دلکش» و «زن نگارم» به یادگار مانده ولی بهانه محمدی برای نوشتن از درویش‌خان، خودروی فورد بوده و تصادفی که منجر به مرگ این هنرمند نامدار شد.



نخستین سانحه خودرویی در ایران، ۹۳ سال پیش درچنین روزی رخ داد و نامدارترین موسیقیدان آن روزهای ایران را به کام مرگ فرستاد

درویش‌کشی بافورد در امیریه

طرح: آرشبو جام‌جم



[۴] مَرْتَب‌سازى دستگاہ‌ها: درویش‌خان واضع موسیقی دستگاہی ایران نبود، منتها قبلا این دستگاہ‌ها سامانی نداشتند. او دستگاہ‌های موسیقی ایرانی را به هفت بخش تقسیم کرد و آهنگ‌های فراوانی ساخت که ۲۲ آهنگ آن برجای مانده است.

[۵]آموزش هنرجو با مس و نقره و طلا: درویش‌خان از نخستین کسانی است که در ایران کلاس آموزش موسیقی برپا کرد و شماری از نامداران موسیقی ایرانی، شاگردان او بوده‌اند. او به شاگردانی که دوره‌های مختلف درس را با موفقیت می‌گذراندند نشانی به شکل تیریزین هدیه می‌داد که از جنس مس و نقره و برای شاگردان سطوح عالی از جنس طلا بود. از جمله شاگردان او که موفق به دریافت تیریزین طلا شدند، می‌توان مَرْتَضی نى داود، ابوالحسن صبا، موسی معروفی، نورعلی برومند و سعید هرمزی را نام برد.

[۶] پدر کنسرت خیره در ایران: از این عنوان خنده‌تان نگیرد اما اگر چند سالی است که می‌شنوید برخی کنسرت رایگان برگزار می‌کنند یا عواید حاصل از برگزاری کنسرت را در امور خیریه صرف می‌کنند بدانید که درویش‌خان آن سال‌ها از این کارها می‌کرده است. کنسرت برای جمع‌آوری کمک برای قحطی‌زدگان روسیه، کنسرت برای ایجاد دبیرستان فرهنگ، کنسرت برای آتش‌سوزی آمل سال ۱۲۹۶ خورشیدی، کنسرت برای بازسازی خرابی‌های آتش‌سوزی بازار و نیز کنسرت برای غارت‌شدگان اومیه در سال ۱۲۸۶ خورشیدی از جمله تلاش‌های خیریه او در دوران مشروطه بوده است.

به شعبه موسیقی مدرسه نظام، وابسته به دارالفنون، سپرد که به سرپرستی موسیو لومر ایجاد شده بود. او در دارالفنون به فراگیری خط موسیقی و نواختن شیپور و طبل کوچک مشغول و با موسیقی اروپایی آشنا شد. در زمان تحصیل، متوجه یکتاخ‌بودن موسیقی ایرانی شد. به این دلیل، آواز را که تا آن زمان بدون ضرب و طولانی بود، خلاصه و به صورت ضربی درآورده و از ضرب‌آهنگ‌های تازه و گاه برگرفته از موسیقی اروپایی استفاده کرد. او به «درآمد» که پیش از آواز نواخته می‌شد قطعه ضربی دیگری به نام «پیش‌درآمد» افزود. دو سفر درویش به لندن و قنقليس، همراه حسین طاهرزاده، عبدا... دواى، ابوالحسن اقبال‌آذر و مشیر همایون شهردار باعث آشنایی بیشتر با آهنگ‌های غربی و افزایش میل او به نوآوری و آفرینش قطعات تازه شد که ساختار ضرب‌آهنگ آنها در موسیقی ایران سابقه نداشت. او نام این قطعات را والس، مارش و پولکانها. این کار باعث ایجاد فضای تازه در موسیقی ایران و دعوت شرکت‌های صفحه‌برکنی خارجی از هنرمندان برای ضبط خواننده‌ها و نواخته‌هایشان به اروپا شد.

[۳] نوآوری در ساختار تار: می‌دانیم که درویش‌خان به همان مقدار که آهنگساز شناخته‌شده‌ای بود در نواختن تار هم چیره‌دست محسوب می‌شد. تا آن زمان تار پنج سیم داشت (دو سیم سفید، دو سیم زرد و یک سیم بم). اما او طی پروسه‌ای بازنگرانه و با نگاه به سه‌تار به فکر افتاد سیم دیگری به تار بیفزاید و از آن هنگام تار، شش سیمه شد.

ناصرالدین شاه بود و حامی انجمن‌های موسیقی محسوب می‌شد به خاک بسپارند. این‌گونه بود که شرکت فورد موتور، ۲۳ سال پس از تأسیسش به دست هنری فورد، با یکی از محصولات کلاسیک دلبرش، جان موسیقیدان ایران را گرفت.

[۷] درویش‌خان برای موسیقی ایرانی چه کرد؟
[۱] استقلال در آهنگسازی: در آغاز، آهنگسازی به شیوه نو توسط علی‌اکبر شیدا و عارف قزوینی آغاز شده بود. آن دو، آهنگسازی را به صورت اصولی نیاموخته بودند و تصنیف‌ها را بر اساس ذوق و احساس خود می‌ساختند و خود بر آنها شعر می‌نهادند و خود نیز آن‌ها را می‌خواندند. اما این سبک موسیقی، توسط درویش‌خان به صورت یک حرفه مستقل هنری درآمد، زیرا او علاوه بر ردیف سنتی، با مبانی موسیقی بین‌المللی آشنا شده بود و بر اساس این دانش، آهنگ می‌ساخت. از سوی دیگر، آن‌ها را اجرا می‌کردند. علاوه بر این، آهنگ‌های او با شعر شاعران حرفه‌ای خوانده شده و برای نواختن، از ارکستری که خود او در انجمن اخوت بنیان گذاشته بود بهره می‌گرفته است. سعدی حسنی در کتاب «تاریخ موسیقی» درباره پیدایش موسیقی نوین ایران می‌نویسد: «نخستین تحول واقعی موسیقی را غلامحسین درویش آغاز کرد».

[۲] صادرات موسیقی ایرانی: پدر درویش‌خان که کمی با موسیقی آشنا بود و سه‌تار می‌نواخت، او را در ده‌سالگی

[۸] چه کردی با ما فورد؟
بله، داشتیم می‌گفتم... درویش‌خان شب چهارشنبه، دوم آذر ۱۳۰۵ هجری خورشیدی، هنگام بازگشت از جلسه محفل موسیقی در منزل یکی از دوستان به خانه، درشکه‌ای دو اسبه کرایه کرد. آن سال‌ها خودرو به تازگی وارد خیابان‌های شهر شده بود. می‌گویند کمتر از پنجاه خودرو در خیابان‌های تهران دیده می‌شد. هنوز کسی مجبور نبود برای این‌که پشت رل بنشیند گواهی‌نامه رانندگی بگیرد. خب از همین رو، طبعاً قوانین راهنمایی و رانندگی هم هنوز وضع نشده بود. رانندگان هم عموماً ناشی بودند مثل اولین روزهایی که موبایل به دست گرفتیم و درست نمی‌دانستیم بآن باید چه کار کنیم. خلاصه، وقتی درشکه از خیابان امیریه به سمت شمال پیچید، یک خودروی فورد از روبه‌رو آمد و با درشکه و اسب‌های حامل درویش‌خان برخورد کرد. اسب‌های درشکه درجا تلف شدند و درویش از درشکه با سر به بیرون پرتاب شد. آن‌طور که روزنامه اطلاعات در گزارش مرگ درویش‌خان نوشته مردم بی‌درنگ می‌رسند و او را به بیمارستان نظمیّه تهران-که بهترین بیمارستان آن زمان تهران بود- می‌رسانند اما بر اثر ضربه سختی که به سر استاد وارد آمده، پنج روز بعد رئیس بیمارستان اعلام می‌کند او به علت ضربه مغزی در ۵۴ سالگی درگذشته است. درویش‌خان را به گورستان ظهیرالدوله می‌برند در خیابان دربند به خاک می‌سپارند، کنار ایرج و دیگر رفقایاش. احتمالاً خودش وصیت کرده بود او را به آنجا ببرند و نزد مرادش ظهیرالدوله که داماد درویش مسلک



صابر محمدی

ادبیات و هنر

سحر» بتواند با «بهار دلکش» رقابت کند. حالا بیش از ۱۲۰ سال از روزی که غلامحسین درویش طالقانی معروف به درویش‌خان

«اگر از نو شروع کنیم» عنوان نمایشنامه‌ای از اریک امانوئل اشمیت نویسنده، شاعر و فیلسوف فرانسوی است که امروز عصر در فرهنگسرای سرو و در قلب يك نمایشنامه خوانی به کارگردانی رضا تفکری کارگردان و بازیگر اجرا خواهد شد.

تفکری درباره انتخاب این نمایشنامه به جام‌جم گفت: قبل‌تر هم چند نمایشنامه را از میان کارهای اشمیت انتخاب و اجرا کرده‌ام. بعد فلسفی آثار این نویسنده همواره توجهم را به خود جلب کرده است، هم از این رو که در انتخاب تکنیک بسیار خوب عمل می‌کند و هم از این جهت که می‌توان در نمایشنامه هایش نگرش‌های دینی و اسلامی را هم رویت کرد.

او افزود: «همانسرای دو دنیا» یکی از همین نمایشنامه‌هاست که با نگرش‌های فلسفی و دینی اسلامی ما نزدیکی دارد و با اعتقادات و شؤونات فرهنگی ما سازگار است. حرف‌هایی که اشمیت می‌زند را می‌توان در قالب احادیث و توصیه‌های مذهبی ما دید. این بازیگر اظهار کرد: اشمیت بسیاری از این موارد را به زبانی بسیار ساده و راحت روایت می‌کند. به گفته تفکری، در این نمایشنامه خوانی جمعی از گویندگان و دوبلورهای جوان همراهی‌اش می‌کنند. تیم همراه او در این اجرا همایون ظفرپور، گلناز عمرانی، مهدی منصوری، رکسانا گلزاده، پرستو آراسته و مهسا خسروی هستند.

«اگر از نو شروع کنیم» در ایران با ترجمه شهلّا حائری منتشر شده است. دیگر آثار اشمیت هم همواره مورد توجه کارگردان‌های تئاتر بوده و بارها روی صحنه رفته‌اند. رضا تفکری، کارگردان تئاتر و بازیگر سینما و تلویزیون، در آثاری همچون فیلم سینمایی «مارموز»، سریال تلویزیونی «آئینه (فصل ۱)» و سریال تلویزیونی «آئینه (فصل ۲)» فعالیت داشته و عضو انجمن بازیگران خانه تئاتر نیز هست.

شنیدن نوایی از ۱۴۴ سال پیش

اگر فکر کرده‌اید میراث درویش‌خان به مانند بسیاری از آثار تولیدشده در دوره قاجار و پهلوی اول باقی نمانده، اشتباه می‌کنید؛ یکی از خوشوقتی‌های ما این است که آثار درویش‌خان را در دسترس داریم.

درویش‌خان يك بار سال ۱۲۸۴ در تهران آثارش را به دستگاه ضبط سپرد. چهار سال بعد او راهی لندن شد تا برخی دیگر از آثارش را آنجا ضبط کند و در نهایت سال ۱۲۹۳ برای ضبط آثارش سر از قنقليس درآورد. سال ۱۳۰۸ فرهنگستان هنر همت کرد و نسخه پالایش‌شده‌ای از این آثار را از صندوقچه تاریخ موسیقی ایران بیرون کشید و با نام «گلیانگ سربلندی» منتشر کرد تا این مجموعه، کامل‌ترین نسخه منتشرشده از آثار درویش‌خان باشد. **[۹]**